سرمقاله

تصمیم عاقلانه‌ی خانه ملت

مهدی مدبر

دیروز وزاری داخله و دفاع ملی و رئیس عمومی امنیت ملی از سوی مجلس نمایندگان استیضاح گردید. دلیل اصلی استیضاح مسئولین نهادهای امنیتی حمله بر شفاخانه نظامی سردار محمد داوود خان و افزایش ناامنی در بخش‌های از کشور بود.

در حالی که اکثر گمانه زنی ها بر این بود که مسئولین نهادهای امنیتی از مجلس نمایندگان موفق بیرون نخواهند شد و سلب اعتماد خواهند گردید، اما مسئولین هرسه نهاد مهم امنیتی کشور از سوی نمایندگان مجلس رای اعتماد دوباره گرفتند و ابقاء گردیدند.

تصمیم دیروز نمایندگان مجلس یک تصمیم عاقلانه و بر اساس واقعیت‌های سیاسی و امنیتی کشور بود. در وضعیت کنونی ابقای مسئولین نهادهای امنیتی یک ضرورت بود و بدون تردید نماینده‌های مجلس با درک این ضرورت، دوباره به مسئولین این نهادها رای اعتماد دادند. تجربه‌ی سالهای گذشته نشان داده است که تنها با تغییر چهره‌ها وضعیت امنیتی کشور بهبود پیدا نمی کند، بلکه عوامل ناامنی‌ها پیچیده است و شبکه‌های استخباراتی و تروریستی زیادی در ناامن سازی کشور دست دارند.

اما، انتظار می رود که استیضاح دیروز، یک تلنگر به مسئولین هر سه نهاد امنیتی کشور بوده باشد. آنها باید این واقعیت را درک کنند که مردم از عملکرد شان رضایت ندارند و باید برای بهبود وضعیت امنیتی کشور با جدیت بیشتر کار کنند و برنامه‌ها و سیاست‌های امنیتی شان را بازبینی کنند. آنها اکنون فرصت دوباره یافته اند که توانایی های مدیریتی شان را در راستای تامین امنیت کشور ثابت بسازند، توقع مردم افغانستان این است که آنها با استفاده از این فرصت، به ریشه یابی مشکلات و تهدیدات امنیتی کشور بپردازند و برای بهبود امنیت، برنامه‌ها و استراتیژی های مؤثرتر طرح کنند.

مسئله مهم دیگر، مبارزه با فساد در نهادهای امنیتی است. فساد باعث شده است که عملکرد نهادها و نیروهای امنیتی تضعیف گردد و برنامه های امنیتی بصورت لازم اجرا نشود. مسئولین هرسه نهادی امنیتی کشور باید بصورت جدی با فساد در این نهادها مبارزه کنند و تلاش ورزند که این ادارات را از وجود افراد فاسد پاک سازند. همچنان باید بصورت جدی تلاش شود که دست افراد نفوذی دشمن از صفوف نیروهای امنیتی کشور کوتاه گردد. نفوذی ها همانند موریانه در بدنه‌ی نیروهای امنیتی کشور جا گرفته اند و آنها را از درون ضربه می زنند. عامل اصلی حمله بر شفاخانه سردار محمد داوود خان که مسئولین نهادهای امنیتی بخاطر آن استیضاح گردید، یک نفوذی دشمن بود. کوتاه کردن دست نفوذی ها از صفوف نیروهای امنیتی، می تواند در بهبود وضعیت امنیتی کشور مؤثریت فوق العاده داشته باشد.

از سوی دیگر، ابقای مسئولین نهادهای امنیتی باعث شد که تنش میان مجلس نمایندگان و حکومت دوباره اوج نگیرد. مجلس نمایندگان در آخر سال مالی ۱۳۹۵، هفت وزیر را به دلیل مصرف نکردن بودجه انکشافی استیضاح و سلب صلاحیت کرد که باعث بوجود آمدن تنش میان مجلس و حکومت شد. رئیس جمهور این مسئله را به دادگاه عالی سپرد و هنوز سرنوشت هفت وزیر سلب صلاحیت شده روشن نیست. اگر مسئولین نهادهای امنیتی نیز سلب صلاحیت می گردید، احتمالا به عنوان سرپرست باقی می ماندند و تنش‌ها میان مجلس و حکومت دوباره آغاز می گردید.

در شرایط کنونی، هماهنگی قوای سه‌گانه برای عبور از مشکلات و چالش‌های فرا روی دولت افغانستان، از اهمیت بالای برخوردار است. هر سه نهاد باید برای عبور از چالش های کنونی هماهنگ و همسو عمل کنند. هماهنگی این نهادها پیام قدرتمند تری به دشمنان مردم افغانستان مخابره خواهد کرد و دولت افغانستان را مقتدرتر نشان خواهد داد.

همچنان هماهنگی قوای سه گانه، بر روند اجرایی شدن برنامه های حکومت نیز مؤثر خواهد بود. هماهنگی میان سه قوه باعث می شود که امورات دولت افغانستان با انسجام بیشتر و سریع تر به پیش برود و از روند اجرایی شدن برنامه نیز، نظارت بهتری صورت گیرد.

وضعیت کشور اقتضا می کند که نگاه واقع‌بینانه به مسایل در سطوح مختلف جامعه بوجود بیاید و تلاش صورت گیرد که افکار عامه بر اساس واقعیت‌ها سمت و سو داده شود. منافع ملی افغانستان زمانی که تامین خواهد شد که همگان بر اساس واقعیت‌ها تصمیم بگیرند. نماینده‌های ملت با تصمیم دیروز عقلانیت سیاسی شان را نشان دادند و این امر امیدوار کننده است.

منطق واقع نگری و انعطاف پذیری در سیاست

رضا رها

در رفتار های جمعی و فردی واقع بینی و یا برداشت های واقع بینانه از اهمیت تعیین کننده ای بر خوردار می باشد. اهمیت آن در این است که واقع نگری می تواند در مناسبات اجتماعی و سیاسی اثرات مطلوبی را بر جای نهد. از جانب دیگر دایره رفتار ها و نگرش ها هر چه وسیعتر باشد مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت آن به همان تناسب اثر گذار خواهد بود. بطور مثال اگر یک فرد دارای نگرش واقع بینانه باشد ، او در همان حد دایره فردی می تواند بر پیرامون خویش اثر بگذارد و یا اثر پذیر باشد.

چنانچه یک جمع دارای نگرش واقع بینانه باشد ، قطعا دایره اثر گذاری و یا اثر پذیری آن بیشتر و تعیین کننده تر خواهد بود. این وضعیت در زندگی جمعی امروزه ، بخصوص در شرایط و وضعیت جوامع در حال گذار بسیار مهم می باشد. زیرا جوامع در حال گذار برای عبور موفقانه و سالم سخت نیازمند نگرش های واقع بینانه می باشد.

یک جامعه ممکن است در شرایط گذار از وضعیت جنگی به سوی شرایط صلح و همزیستی مسالمت روان باشد. یا جامعه ای در وضعیت گذار اقتصادی و اجتماعی قرار داشته باشد. ممکن است جامعه در حالت گذار فرهنگی باشد. به هر صورت گذار در هر عرصه ای برای هر جامعه ای نیازمند آنست که واقع نگری وجود داشته باشد.

اینک پرسش در اینست که این واقع نگری از کجا سرمنشاء می گیرد ؟ اگر بطور دقیق با افراد هر جامعه ای و یا با هر کتله و جمعیتی مواجه شویم و درباره واقع نگری بحث نماییم ، بدون تردید نه تنها از واقع نگری ستایش می نماید ، بلکه در وصف آن شرح مفصلی را هم ارائه خواهد داد.

آنچه که مهم به نظر می رسد و کمتر عینیت آن مشاهده می شود اینست که عملا واقع نگری رعایت گردد و به آن التفات صورت گیرد. پذیرش واقعیت ها همان اندازه که دلچسب و جذاب است ، به همان میزان نیز دشوار می باشد. مطالعه زندگی بشر نشان میدهد که بشر برای گریز از واقعیت ، چیزی که در سخن و شعار از آن به شدت استقبال می نماید ، به چه ترفند ها دست نبرده و حتی بخود فریبی نیز دست می یازد.

توجیهات متعدد و گوناگونی را برای جلوه دادن یک امر غیر واقعی ، بصورت واقعی بکار می بندد.

این امر در عرصه سیاست بیش از هرجای دیگر نمایان می باشد. ضرورت واقع نگری در سیاست ذره ای جای تردید ندارد. وادی سیاست بدون نگرش واقع بینانه به اندازه یک گام کوچک هم طی نخواهد شد. در اصل سیاست روشی است برای پیاده ساختن و عینی نمودن خواسته ها و آرزو های بشر در حیات جمعی. از لازمه واقع نگری و یا پذیرش نگرش واقع بینانه آن است که واقعیت ها را آنگونه که هست باید نه آنگونه که باید باشند. به معنی دیگر دیدن واقعیت ها ، تلخ یا شیرین ، مطلوب یا نا مطلوب ، انسانی یا غیر انسانی گام نخست سیاست می باشد. سیاست یک امر انتزاعی ، مجرد و فارغ از ضرورت های اجتماعی نمی تواند باشد. اگر غیر این باشد ، آن موضوع هر چیزی می تواند باشد ولی قطعا سیاست نخواهد بود.

نکته دیگری که در نگرش واقع بینانه مطرح می باشد انعطاف پذیری است. بدون در نظر داشت انعطاف پذیری ، درک واقعیت ها ، پی بردن به کنه و ریشه آنها بسیار مشکل و چه بسا غیر ممکن خواهد بود. باید یاد آور شد که این تلقی را از ذهن باید شست که انعطاف پذیری به معنی تسلیم طلبی و بی خاصیت بودن و موضع نداشتن نیست. انعطاف پذیری شیوه ای منطقی است برای درک واقعیت جهت دست یابی و یا پیش برد اهداف و یا بیان مواضع مشخص و معین خویش. انعطاف پذیری منطق استوار و کار آمد انسان در مواجهه با عینیت های زندگی است.

اگر انسان از این منطق عاری گردد ، دوام زندگی برای او مقدور نخواهد بود. یکی از عوامل موفقیت های بشر تاکنون همین بوده است که برای بهبود بخشیدن به وضعیت عمومی خویش و دست یابی به ایده ها و تحقق آرزو های خویش از این منطق کار گرفته است. بدون شک ناکامی ها و سرخوردگی های انسان نیز در فقدان همین منطق نهفته بوده است. منطق انعطاف پذیری انسان را با زندگی و ضروریات آن آشتی می دهد. او را از وادی تصورات انتزاعی به عالم واقعیات آشنا می گرداند. خلاصه کلام اینکه انعطاف پذیری یکی از راههای دست یابی به نگرش واقع بینانه می باشد.

مسئله دیگری که در درک واقعیت ها می تواند ممد انسان واقع گردد و جامعه را بسوی تکامل سوق دهد تحول پذیری است. ویژگی تحول پذیری بدان مفهوم است که بشر برای بهبود بخشیدن به وضعیت خویش و بهره بردن از امکانات و دست یافتن به سهولت ها بایستی تحول پذیر باشد. از پدیده های نو و تازه استقبال نماید. خود در این راستا خلاقیت و ابتکار داشته باشد. راکد نباشد. تحجر و دگم اندیشی ، انفعال و خنثی بودن را بایستی از خود دور نماید.

راز ترقی جامعه بشری در این بوده است که شجاعت آن را بخود داده است تا وادی های تازه ، راههای نا رفته ، عرصه های ندیده را با چراغ جستجو گر و حس کنجکاوی و اراده خلاقانه خویش در نوردد. اگر بشر چنین جسارت و شجاعتی از خود نشان نمی داد قطعا زندگی امروزی بشر به این مرحله از رشد و تکامل نمی رسید. چنانچه انسان ها و جوامعی که این جسارت و شجاعت و خلاقیت را نداشته اند و از هر پدیده ای نو و تازه فرار کرده اند هم چنان در دایره عقب ماندگی باقی مانده اند.

با آنچه توصیف گردید و بیان شد این را باید اضافه نمود که این همه زمانی شدنی است که ذهنیت ها ، تصورات و باور ها از تاریکی بیرون آمده و خود را در روشنایی قرار دهد. با ذهنیت های تاریک و بسته دست یافتن به نگرش های واقع بینانه غیر ممکن است. اگر ذهن از تعلقات تاریک و زنجیر های اسارت بار رهایی نیابد درک واقعیت ها یک امر خیالی بیش نیست.

به همان تناسب درک واقعیت ، انعطاف پذیری و تحول پذیری نیز غیر ممکن می باشد. مهم ترین شجاعت آنست که بتوان ذهن فردی و جمعی را از زنگار ها و تاریکی ها نجات بخشید. رسوب ها و انباشته های پوسیده را بدور ریخت. در عرصه حیات جمعی نیز باید ذهنیت اجتماعی را باید رسوب زدایی نمود. بدون رسوب زدایی اجتماعی هم پذیری و دیگر پذیری و بقاء زندگی جمعی ممکن نیست. یکی از شرط های اساسی حیات جمعی اینست که ذهنیت جامعه را متناسب به نیاز ها و ضرورت های آن عیار گردد تا بتوان روند تحول و تغییر در جهت رشد و ترقی آن پیش برد.

نتیجه و برداشتی که از گفته های فوق می توان بدست آورد اینست که جامعه ما نیز هنگامی می تواند به ترقی و تکامل دست یابد که ذهنیت اجتماعی و سیاسی از رسوب های کهنه و فرسوده پاک گردد و ویژگی واقع نگری را در خود بپروراند. روی کرد به نگرش واقع نگری نیاز مبرم به آن دارد که ذهنیت جامعه از رسوبات گذشته و باور های اسارت بار و تفرقه افگنانه زدوده شود. با ذهنیت های تاریک و رسوب یافته نمی توان به اهداف و مطالبات ترقی خواهانه دست یافت.

هم پذیری و تفاهم اجتماعی زمانی مقدور خواهد بود که تصورات و ذهنیت های تاریک و مخوفی که برمجموعه ای از روابط اجتماعی و مناسبات سیاسی جامعه اثر گذارده است کاملا محو گردد.

بطور قطع می توان بخشی از عوامل بحران های کشور را به این مسئله نسبت داد. متاسفانه با گذشت زمان های بسیار و گذشته های تلخی که سپری شده است هنوز ذهنیت های جامعه گرفتار پندار های اسارتبار و تفرقه افگنانه می باشد. حکومت، پارلمان، نهادهای عدلی وقضایی، نهادهای آموزشی وتعلیمی و... باوجود ادعاهای گزاف دموکراسی خواهانه هنوز اسیر باور های تمامیت خواهانه و تبعیض طلبانه می باشند.

تا زمانی که ذهنیت های تاریک و تبعیض طلبانه با استفاده از ابزار های سیاسی بر سرنوشت مردم اعمال گردیده و از نگرش واقع بینانه و درک شرایط جدید و انعطاف پذیر در برابر تکثر اجتماعی و سیاسی و استقبال از تحول پذیری خود داری گردیده ویا باآن مقابله شود، به دشواری می توان انتظار داشت کشور روی خوش بختی و امنیت را ببیند.

سیر تحول عکاسی در افغانستان

نوروز رجا

عکاسی توسط یک فرد کشف وتکمیل نشده است، بلکه عکاسی نتیجه زحمات وتلاش بسیاری از افراد درزمینه‌های مختلف اکتشافات ونوآوری‌های آنان در طول تاریخ است که سال‌ها قبل وجود داشته است.

عکاسی را به زبان یونانی فتوگرافی می گویند، کلمه فتوگرافی از واژه های یونانی نور ونگارش مشتق شده است که از ترکیب آن دو، نگارش با نور استخراج می شود.

عکاسی را می توان ثبت و ایجاد یک تصویر تعریف کرد که عموما در دو مرحله ی کلی انجام می‌شود: نخست، بدست‌آوردن تصویر- تصویر یک شیء یا مجموعه ای از اشیاء- به وسیله دوربین و ثبت آن روی نگاتیو. دوم، ظاهر کردن تصویر مخفی حاصل از دوربین عکاسی، ظاهر کردن و پایدارکردن آن.

قدیمی ترین عکس درجهان

قدیمی‌ترین عکس ثبت شده در تاریخ عکاسی، تصویری است که نیسفور نیپس «اشرافزاده‌ی فرانسوی در سال ۱۸۲۶ میلادی با فرایندی که خود آن را هلیوگرافی» نامید از چشم‌انداز پنجره‌ی اتاقش گرفت. چند سال بعد یعنی درسال ۱۸۳۷ یک فرانسوی دیگر به نام لوئی داگر به فناوری‌ای دست یافت که تصویری مثبت، مستقیم و پایدار بر صفحه‌ی نقره‌اندود ثبت می‌کرد. او فناوری خود را داگروتیپ نامید که در تاریخ عکاسی بعنوان نخستین شیوه‌ی عملی ثبت تصویر شناخته می‌شود. این فرایند اصلاحات و تغییراتی کرد تا اینکه در جنوری ۱۸۳۹ آکادمی علوم فرانسه داگروتیپ را بعنوان یک اختراع فنی به ثبت رساند.

اولین عکس ها درافغانستان

اولین عکس موجود درتاریخ افغانستان متعلق به «جان بورک» عکاس ایرلندی است که درسال ۱۸۶۹ میلادی ازامیر شیرعلی خان پادشاه افغانستان گرفته شده است. اوکه همراه با ارتش بریتانیا به افغانستان سفر می‌کردعکس شیر علی خان را گرفته است واین عکس، امیر را نشان می‌دهد که روی چوکی نشسته وشمشیر دردست دارد.

مقارن همان سالها عکس عبدالرحمن خان پادشاه افغانستان که در جنگ علیه امیر شیرعلی خان شکست خورده به سمرقند گریخته بود و پناهنده امپراطوری روسیه می شود توسط حاکم سمرقند گرفته شده است. امپراطور الکساندر دوم، قبل از اینکه عبدالرحمان خان را به سن پترزبورگ دعوت کند، از او می خواهد عکس خود و مقام های همراهش را برایش بفرستد. حاکم سمرقند او و دیگر همراهانش را به یک عکاسخانه می برد تا عکس آنها را بگیرد. ولی در آنجا هیچ یک از همراهان امیرعبدالرحمن خان حاضر نمی شوند که در برابر دوربین عکاسی بنشیند

اولین عکاس افغانستانی:

نخستین عکاس افغانستانی امیر حبیب الله خان پادشاه افغانستان (۱۹۰۱-۱۹۱۹) است. حبیب الله مرد خوشگذرانی بود و علاقه زیادی به مظاهر دنیای جدید داشت. او اولین بار موتر، سینما، تیلفون و عکاسی را به کابل آورد.

فیض محمد کاتب، در جلد چهار»سراج التواریخ» می گوید در اوایل سال ۱۹۰۹ میلادی امیر حبیب الله خان از هندوستان «هزار روپیه « را وسایل عکاسی خریداری کرده و قسمتی از ضلع شمالی ارگ شاهی را به استدیوی عکاسی تبدیل کرد.

امیر، گروهی از درباریان را با فنون عکاسی آشنا کرد تا کار شستن و روتوش عکس ها را انجام دهند. این شاگردان بیشتر از دربار بودند: میر حسام الدین رسام از ولایت غزنی، نقاش معروف دربار که نقاشی دیواری می کشید، همراه با دو برادرش میر عبدالروف و سید جواد و نیز دو غلام بچه دربار به نام‌های امان بیگ شغنانی و محمد ایوب خان ایلخانی هزاره از اولین کسانی بودند که با فنون عکاسی آشنا شدند.

امیر حبیب الله و شاگردانش ابتدا عکس شهزادگان، سرداران و اعیان را می‌گرفتند و آنها را به صاحبان عکس فروخته و در آمد آن را صرف یتیم خانه‌ی می کردند که در سال ۱۹۱۱ تاسیس کرده بود.

امیر امان الله خان

در زمان حکومت امان الله خان هنرعکاسی در افغانستان جای بیشتر باز کرد. او همانند پدرش حبیب الله خان در توسعه و پیشرفت عکاسی در افغانستان توجه زیاد داشت.

شاه امان الله خان خودش عکاسی نمی کرد. او در سفر اروپایی اش در سال ۱۹۲۷ میلادی، چندین پایه کامره و وسایل عکاسی را از آلمان با خود به کابل آورد تا باعث تشویق و انکشاف هرچه بیشتر این هنر شود. در سفر شش ماهه او به اروپا؛ ملکه ثریا همسر و نورالسراج خواهرش با یک روبند نیمه ابریشمی و جوراب‌های سیاه ظاهر شدند و از آنها عکس گرفته شد، این عکس‌ها در روزنامه‌های اروپا چاپ شد که برای اولین بار صورت ملکه و خواهر یک شاه افغانستان دیده می‌شد.

امیر حبیب الله خان کلکانی

در دوره حکومت حبیب الله کلکانی، کشمکش های سیاسی و نظامی زیاد بود اما عکاسان به حالت عادی فعالیت داشتند و عکس های مستند و یادگاری می گرفتند.

نادرشاه

نادرشاه خودش عکاس نبود، اماعکس‌های زیادی از او وجود دارد. ولی مهمترین عکسی که از او در دست است، از آخرین لحظه حیات او است؛ عکسی از صحنه یی که نادرشاه به دست عبدالخالق به قتل می رسد.

محمد ظاهر شاه

دوره ظاهر شاه دوره آرامش بود. به همین جهت رفت و آمد جهانگردان، عکاسان خارجی در این دوره زیاد بود. با آمدن توریستها و عکاسان، کامره‌های عکاسی انالوگ که در آن از فیلم (نیگاتف) استفاده می شد، در عکاسخانه‌های شهر کابل افزایش یافت. کامره‌های فوری صندوقچه یی سیاه و سفید در گوشه و کنار شهر کابل زیاد به چشم می خورد.

درهمین دوره بود که عکاسی از چهار دیواری ارگ وانحصار شاهزاده گان بیرون رفت و دوربین‌های جدید توسط تاجران وارد کشور گردید. همین طور چندین عکاسی در گوشه و کنار شهر کابل برای رفع نیاز های مردم از قبیل عکس برای تذکره و ترخیص و .... گشایش یافت و استدیوهایی ساخته شد.

سردار محمد داوود خان

داوود خان، هنر، فرهنگ، عکاسی و ورزش را دوست داشت. در دوره حکومت او تعدادی از جوانان به منظور فراگیری فیلمبرداری وعکاسی به کشورهای جاپان، ایران و بلغاریا فرستاده شدند، عکاسی فوری وخیابانی افزایش‌بیشتریافت.

بعد ازسال ۱۳۵۷

درزمان نورمحمدترکی وحفیظ الله امین، عکاسی بصوت نورمال پیش می رفت، اما در دوره ببرک کارمل و داکتر نجیب الله عکاسی رشد خوبی یافت، عکس های سیاه وسفید به رنگی تبدیل شد وبرای اولین بار درزمان ببرک کارمل نام عکاسان روی عکس درج گردید، درایـن دوره برعلاوه کمره های صندوقچه ای کمره های انالوک نیزوارد بازار شد.

در دوره حکومت مجاهدین عکاسی درافغانستان به صوت عادی ونورمال پیش می رفت کدام تغییر درعکاسی نیامد، اما درزمان طالبان عکاسی وتصویر برداری کاملا ممنوع اعلان شد. استدیوهای عکاسی تعطیل گردید، نشریات چاپی بدون عکس انسان ودیگر زنده جان ها منتشر می شد. تنها برای تذکره مردها اجازه داشتند عکس بگیرند.

پس از سقوط طالبان

پس ازسقوط طالبان وبا روی کار آمدن حکومت حامدکرزی، عکاسی درافغانستان کاملا متحول شد وبصورت سرسام آور گسترش یافت. پیدایش کمره‌های دیجیتالی وکمپوتر عکاسی را از عکاسخانه‌ها واستدیوها، وارد دفاتر کار، منازل وخانه‌ها نمود. تغییر وتحولی که درعکاسی بوجود آمد نسل جدید وجوانی از عکاسان باکمره های مدرن ودیجیتالی وارد عرصه عکاسی شدند.

علاقه مردم نیز به گرفتن عکس افزایش یافت، اما عمومی شدن عکاسی سبب شد که عکاسی نسبت به گذشته کمی غیر حرفه‌ی تر شود، چون هرکس که توان خرید یک کمره را پیداکرد، شروع نمود به گرفتن عکس، تعدادی حتاباگوشی‌های مبایل عکاسی می کنند که این خود از کیفیت هنری عکس می کاهد.

از طرفی هم با پیشرفت فنی عکاسی و تغییر عکاسی از آنالوگ به دیجیتال وکمپیوتری شدن عکاسی، بسیاری از عکاسی های قدیمی که کمره های فوری وانالوک بود فراموش شد، اگرچه تا هنوزهم دیوارهای شهرکابل نشان آنها را خوب به یادگار دارند.

نمایشگاه‌های‌عکاسی

تاکنون تعداد زیادی ازتولیدات عکاسان افغان در داخل و خارج ازکشور به نمایش گذاشته شده است که از آن جمله درخارج میتوان به نمایشگاه عکس باتور، مسعود حسینی، امیرشاه، فرزانه واحدی، احمدمسعود، نجیب الله مسافر، فاطمه حسنی اشاره کرد. کمی پیشتر ازآن در دوره حکومت انتقالی ما شاهد اولین دوره برگزاری نمایشگاه عکس درافغانستان بعد از طالبان بودیم، همه عکس ها راوی تاریخ سیاهی بود که رعشه به جان آدمی می انداخت. بعد تر چیدن نمایشگاه عکس توسط مرکزفرهنگی آینه، مرکز فتوژورنالیزم چشم سوم درکابل وبرخی ولایت های کشور برگزارشد.

هم اکنون مرکز فتو ژورنالیزم چشم سوم، یکی از مراکز حرفه ای عکاسی درافغانستان است که ازسال ۱۳۸۷ کارخود را با گروهی ازجوانان عکاس، درکابل آغازکرده و طی مدت کوتاهی درجامعه عکاسی افغانستان ، جایگاه واعتبار ویژه ای یافته است، همچنان به تازگی یک مرکز عکاسی حرفه ای بنام انجمن عکاسان افغانستان توسط مسعود حسینی وفرزانه واحدی تأسیس شده است که گام بلندی در راستای عکاسی حرفه ای باتکنولوژی مدرن می باشد.

کارتون روز

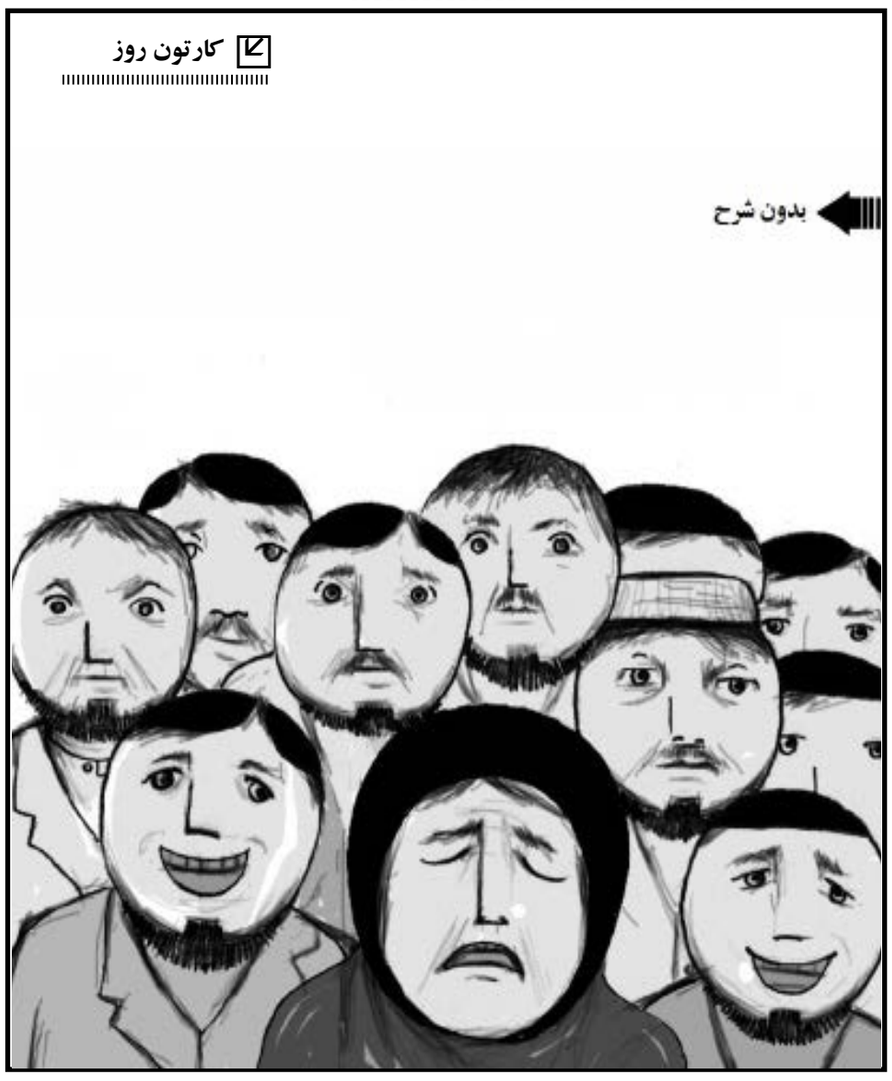

روزنامه افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma

Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper

❑بنیان‌گذار: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
❑سردبیر: حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱

❑کاریکاتوریست: خالق علی‌زاده

❑دیزاین: علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب‌سایت: غلام عباس اصلان

❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷- ۱۳۷

روزنامهٔ افغانستان‌ما از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان می‌باشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com